

## بررسی رابطه بین رضایت از زندگی خوابگاهی و از خودبیگانگی دانشجویان دختر خوابگاهی (مطالعه موردی: دانشگاه اصفهان)

جهانگیر جهانگیری<sup>\*</sup>، فاطمه ابوترابی زارچی<sup>\*\*</sup>، فاطمه تنها<sup>\*\*\*</sup>، حمیده ابوترابی زارچی<sup>\*\*\*\*</sup>

**چکیده:** ساختار نظام آموزشی در کشور پذیرش دانشجویان غیر بومی را ایجاد می‌کند و این امر، باعث ایجاد محیط‌هایی به نام خوابگاه‌های دانشجویی می‌شود. یکی از مشکلاتی که می‌توان در بین این دانشجویان مشاهده کرد از خودبیگانگی آن‌ها است. تحقیق حاضر با هدف بررسی سنجش سطح از خودبیگانگی دانشجویان دختر خوابگاهی و تأثیرپذیری آنان از رضایت از زندگی خوابگاهی انجام گرفته است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دختر خوابگاهی دانشگاه اصفهان است. بر اساس فرمول کوکران تعداد نمونه آماری لازم ۳۳۰ نفر برآورد شد. روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی است و از پرسش‌نامه محقق ساخته برای اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق استفاده شده است. اعتبار ابزار از طریق اعتبار صوری به دست آمد و پایایی ابزار اندازه‌گیری با محاسبه ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای از خودبیگانگی و رضایت از زندگی به ترتیب برابر با ۰/۸۴۹ و ۰/۷۶۸ به دست آمد. نتایج تحقیق نشان داد که ۱۱/۳ درصد افراد جامعه آماری دارای از خودبیگانگی پایین، ۶۲/۷ درصد از آن‌ها دارای از خودبیگانگی متوسط و ۲۶ درصد از آن‌ها دارای از خودبیگانگی بالا می‌باشند. همچنین نتایج حاصل، حاکی از وجود رابطه آماری منفی بین رضایت از زندگی خوابگاهی و از خودبیگانگی و ابعاد آن می‌باشد. بدین معنا که با افزایش میزان رضایت از زندگی خوابگاهی، میزان از خودبیگانگی دانشجویان و ابعاد آن (احساس عدم تعلق، احساس پوچی و بی‌معنایی، احساس دوری از ارزش‌ها و جامعه‌ستیزی) کاهش می‌یابد.

**کلید واژگان:** احساس پوچی و بی‌معنایی، احساس عدم تعلق، از خودبیگانگی، خوابگاه، رضایت از زندگی.

jjahangiri@gmail.com  
fabootorabi@gmail.com  
f.tanhaa@gmail.com  
talie1117@yahoo.com

<sup>\*</sup> استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز  
<sup>\*\*</sup> کارشناس ارشد جامعه‌شناسی (نویسنده مسئول)  
<sup>\*\*\*</sup> کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی  
<sup>\*\*\*\*</sup> کارشناس روانشناسی بالینی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۶/۲۰

## مقدمه

افزایش روزافزون انواع مختلف دانشگاه‌ها در سطح کشور، نشان از اهمیت خرده‌نظام فرهنگی و آموزشی در نزد سیاستگذاران اجتماعی و مردم جامعه ایران دارد. گسترش نهاد آموزش در سطوح عالی نظیر دانشگاه‌ها از یک سو هم به‌عنوان فرصت برای جامعه شناخته می‌شود و هم نوعی چالش محسوب می‌گردد. گسترش نظام آموزش عالی زمانی به‌عنوان یک فرصت تلقی می‌گردد که به کارکردهای آن برای اعضای جامعه توجه داشته باشیم. از جمله کارکردهای آموزش عالی، انتقال فرهنگ، جامعه‌پذیری، افزایش تخصص و مهارت افراد جامعه، نظارت اجتماعی، یگانگی اجتماعی، پرورش و رشد شخصی افراد [۱۳] است. اما زمانی گسترش نظام آموزش عالی به‌عنوان یک چالش مطرح می‌گردد که به کژکاردها و تبعات منفی آن بر جامعه توجه نشان داده شود. در واقع زمانی که نظام آموزش عالی در رسیدن به اهداف مذکور ناموفق ظاهر می‌شود می‌توان گفت که تبعات منفی گسترش نظام آموزش عالی ظهور می‌یابند، از خودیگانگی دانشجویان یکی از این موارد می‌باشد.

در جامعه ما به‌خاطر نحوه گزینش دانشجو، شاهد پذیرش دانشجویان غیر بومی در دانشگاه‌ها هستیم که این امر خود موجب ایجاد مکانی به نام خوابگاه می‌شود. مهاجرت دانشجویان غیر بومی به شهرهای دیگر جهت تحصیل و سکونت در خوابگاه که نوع متفاوتی از زندگی را طلب می‌کند، می‌تواند باعث انفصال و جدایی فرد از جامعه بومی و همچنین از شهر محل تحصیل خود گردد.

بررسی از خودیگانگی دانشجویان خوابگاهی از دو جهت اهمیت می‌یابد: اول آنکه وجود برخی از ویژگی‌های منحصر به فرد قشر دانشجو مانند استعداد، تحرک، توان علمی و قابلیت انعطاف‌پذیری و تطابق با شرایط جدید جامعه بشری باعث شده است که اغلب کشورها بیشترین توان خود را جهت استفاده صحیح از استعدادهای این قشر در امر توسعه به‌کار گیرند و دانشجویان خوابگاهی در هر دانشگاه، تعداد قابل توجهی از دانشجویان را شامل می‌شوند. بنابراین باید نسبت به دغدغه‌ها و مشکلات این دسته از دانشجویان توجه بیشتری را مبذول داشت.

دیگری از منظر تبعاتی است که از خودیگانگی دانشجویان می‌تواند به همراه داشته باشد. مانند سوء مصرف مواد مخدر، افزایش میزان طلاق، افت تحصیلی و خودکشی.

تحقیق حاضر با هدف بررسی رابطه بین رضایت از زندگی خوابگاهی و از خودیگانگی و ابعاد آن در میان دانشجویان دختر خوابگاهی صورت گرفته است.

بررسی رابطه بین رضایت از زندگی خوابگاهی و از خود بیگانگی دانشجویان دختر خوابگاهی ۹۱

## چارچوب نظری

مطالعات بسیاری انواع بیگانگی را از ابعاد مختلف و در بین گروه‌های مختلف اجتماعی بررسی کرده‌اند. اما مطالعات اندکی توجه خود را به دانشجویان، خاصه دانشجویان خوابگاهی متمرکز ساخته‌اند. در ادامه به برخی از این مطالعات اشاره خواهد شد.

نتایج تحقیق رجبی (۱۳۸۰) نشان می‌دهد که متغیرهای عدم رضایت از پایگاه اجتماعی و درآمد با متغیر وابسته از خودبیگانگی رابطه مستقیم دارد.

محسنی تبریزی (۱۳۸۱) در تحقیقی دریافت که متغیر میزان رضایت از زندگی با متغیر وابسته بیگانگی فرهنگی رابطه غیرمستقیم دارد.

نتایج تحقیق ستوده (۱۳۸۷) که ناکامی آموزشی و از خودبیگانگی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن را بررسی کرده است، نشان می‌دهد که در میان ابعاد از خودبیگانگی، احساس بی‌هنجاری، احساس جدایی از خویش، احساس پوچی، احساس بی‌قدرتی و احساس انزوا به ترتیب از بیشترین تا کمترین میانگین برخوردار بودند. یافته‌های تحقیق همچنین نشان داد که متغیر مستقل ناکامی آموزشی با تمامی ابعاد از خودبیگانگی رابطه مستقیم دارد.

بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان) عنوان تحقیقی است که زکی (۱۳۸۸) با تکنیک پیمایشی انجام داده است. نتایج تحقیق نشان داد که بیشترین میزان بیگانگی جوانان به ترتیب مربوط به بیگانگی از نهادهای اجتماعی (۴۰/۳۳)، بیگانگی از روابط اجتماعی (۳۶/۵۸)، بیگانگی از خانواده (۳۴/۱۰)، بیگانگی از خود (۳۲/۳) و بیگانگی از کار (۳۰/۱۰) و همچنین بیشترین میانگین بیگانگی جوانان به ترتیب در ابعاد احساس بی‌مخاطرگی (۴۶/۰۸)، احساس پوچ‌گرایی (۴۵/۹۷)، احساس بی‌قدرتی (۴۱/۲۷) و احساس بی‌ریشگی (۴۰/۱۰) است. نتایج همچنین نشان می‌دهد که متغیر جنسیت تنها با دو متغیر وابسته بیگانگی از کار و بیگانگی از خانواده رابطه معنادار دارد ولی با بیگانگی کل و دیگر ابعاد و موضوعات بیگانگی رابطه معناداری ندارد.

زکی‌خانی (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان "بیگانگی دانشجویان علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج"، بیگانگی بی‌قدرتی و نابهنجاری در میان دانشجویان رشته علوم سیاسی را مشاهده کرد. تفاوت معناداری در بیگانگی بی‌قدرتی و نابهنجاری دانشجویان با معدل بالا و پایین مشاهده شد. در واقع دانشجویان با معدل بالا بیش از دانشجویان با معدل پایین بیگانگی بی‌قدرتی و نابهنجاری دارند.

بنی فاطمه و رسولی (۱۳۹۰) در تحقیق خود با عنوان "بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن" دریافتند که متغیرهای اعتماد اجتماعی، رضایت از زندگی، اثربخشی اجتماعی و میزان دینداری با بیگانگی اجتماعی رابطه منفی معناداری دارند. بائو و دیگران<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) به بررسی تأثیر عوامل نهادی (مالکیت شرکت، مکان شرکت)، سازمانی (رهبری تسهیل‌گر با رویکرد ابداعی) و فردی بر از خودبیگانگی در اقتصاد انتقالی چین می‌پردازند. این تحقیق که بر روی کارگران ۲۸ صنعت چین انجام شده، نشان داد که رضایت شغلی رابطه منفی با از خودبیگانگی کارگران دارد.

نتایج تحقیق بالاچاندوران<sup>۲</sup> و دیگران (۲۰۰۷) با عنوان "رضایت از زندگی و بیگانگی زنان و مردان سالمند" حاکی از این است که مردان سالمند بیش از زنان سالمند بیگانگی را تجربه می‌کنند در حالی که تفاوت معناداری در سطح رضایت از زندگی در بین این دو گروه مشاهده نشده است.

اوسین<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) در تحقیق خود دریافت که رضایت از زندگی با بیگانگی و همچنین با برخی از ابعاد آن مثل (از خودبیگانگی، بیگانگی از خانواده، بی‌قدرتی، پوچ‌گرایی و عدم فعالیت و بی‌حرکتی) رابطه منفی معناداری دارد.

تانوجیا<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) در تحقیقی به بررسی میزان از خودبیگانگی و رضایت از زندگی مردان و زنان سالمند دو شهر کاتاک و بابانسوار پرداختند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که زنان سالمند بیش از مردان سالمند احساس بیگانگی نشان می‌دهند در حالی که مردان سالمند بیشتر از زندگی خود رضایت دارند.

وحیدی و نظری<sup>۵</sup> (۲۰۱۱) در تحقیقی به بررسی رابطه بین از خودبیگانگی، رفاه روحی، موقعیت اقتصادی و رضایت از زندگی دانشجویان پرداختند نتایج این تحقیق حاکی از وجود رابطه منفی بین از خودبیگانگی و رضایت از زندگی بود.

گیدنز<sup>۶</sup> بیگانگی را این‌گونه تعریف می‌کند: احساس اینکه توانایی‌های ما به‌عنوان انسان به‌وسیله موجودات دیگری در اختیار گرفته شده است [۱۶، ص ۷۸۴]. بر اساس این تعریف می‌توان گفت که نظریه-

1 . Bao et.al

2 . Balachandran

3 . Osin

4 . Tanuja

5 . Vahedi&Nazari

بررسی رابطه بین رضایت از زندگی خوابگاهی و از خود بیگانگی دانشجویان دختر خوابگاهی ۹۳

پردازان کلاسیک و متأخر به نحوی موضوع بیگانگی را به بحث گذاشته‌اند. نظریاتی که معتقدند ساختارهای اجتماعی بر افراد جامعه کنترل بسیاری را اعمال می‌کند و بدین طریق توانایی‌های انسان را به‌عنوان یک کنشگر فعال تحت نظارت خود در می‌آورند. یکی از این ساختارها که می‌تواند بر افراد اعمال کنترل نماید، نظام آموزشی و نظام دانشگاهی است. در ادامه به بیان نظریاتی می‌پردازیم که تأثیر نظام آموزشی و همچنین تأثیر رضایت از زندگی را بر از خودبیگانگی مطمح نظر قرار داده‌اند.

در نظر فوکو<sup>۶</sup> دانشگاه‌ها می‌توانند به‌عنوان محیط‌های قدرت خرد از طریق چهار تکنیک انضباطی و سه نوع ابزار قدرت تنبیهی بر دانشجویان اعمال کنترل داشته باشند. در نظر فوکو اعمال انضباط و کنترل شدید بر افراد، موجبات نارضایتی افراد را فراهم می‌سازد و این خود منجر به احساس بی‌قدرتی و بیگانگی در افراد می‌گردد.

انضباط: یک دانشجوی آرمانی، منضبط است. انضباط‌سازی در محیط‌های دانشگاهی از طریق کنترل دانشجویان و در سه بعد به هم پیوسته اعمال می‌شود:

۱. مقیاس کنترل: هر چیز خرد در محیط دانشجویان کنترل می‌شود.
۲. موضوع کنترل: نه تنها ابعاد جسمانی، ابعاد فکری دانشجویان نیز کنترل می‌شود.
۳. شیوه کنترل: نه تنها نتیجه فعالیت‌ها، بلکه به‌طور شدیدتر و اصولی‌تر فرایند فعالیت‌های دانشجویان نیز کنترل می‌شود.

بدین طریق دانشجویان به مثابه یک بدن که در محاصره قدرت‌های آمرانه و مؤکدانه (الزام‌ها، ممنوعیت‌ها و اجبارها) هستند به نحوی کنترل می‌شوند که نه تنها هر آنچه را که مطلوب است انجام دهند، بلکه مطابق با تکنیک‌های تعیین شده عمل کنند. هدف نهایی این نوع اقدامات مطیع‌ساختن دانشجویان در قلمروهای اندیشه و رفتار است [۱۴].

چهار تکنیک انضباطی از نظر فوکو به قرار زیر می‌باشند:

۱. اصل حصارکشی: انضباط گاهی مستلزم حصار است به عبارتی اختصاصی کردن یک مکان ناهمگن با همه مکان‌های دیگر و بسته به روی خود [۱۴، ص ۱۷۷]. دانشکده‌های دانشگاه به انضمام مجتمع

<sup>6</sup> . Giddens

<sup>7</sup> . Foucault

خوابگاه‌ها مکان محصور شده‌ای است که دانشجویان را از ارتباط با جامعه بومی دور می‌سازد و می‌تواند بیشترین کنترل را بر روی دانشجویان به‌ویژه دانشجویان غیر بومی اعمال دارد.

۲. اصل جاده‌ی مقدماتی یا اصل شبکه‌بندی: بدین معنا که هر فرد جای خاص خود را می‌یابد و در هر مکانی یک فرد جا می‌گیرد. باید از توزیع‌های گروهی اجتناب کرد. آرایش‌های جمعی را تجزیه کرد و کثرت‌های درهم و برهم، انبوه یا ناپایدار را تجزیه کرد. در نظر فوکو غایت مکان انضباطی آن است که به شمار بدن‌ها یا عنصرهایی که برای توزیع موجودند تقسیم شود، باید اثرهای توزیع‌های نامعلوم و متغیر، غیبت‌های کنترل نشده افراد، رفت و آمدهای نامنظم افراد و پیوندهای بی‌فایده و خطرناک‌شان از بین برود [۱۴، ص ۱۷۹]. تقسیم‌بندی دانشجویان به دانشکده‌ها، رشته‌های تحصیلی و خوابگاه‌های مختلف با اختصاص کارت‌های دانشجویی و کارت عضویت خوابگاه، جاده‌ی دانشجویان خوابگاهی در اتاق‌هایی با ظرفیت‌های نسبتاً زیاد که این توزیع دانشجویان گاه بر حسب شهر و قومیت آن‌ها صورت می‌گیرد. همچنین حضور و غیاب دانشجویان خوابگاه در ساعات پایانی روز، اعمال قوانینی برای زمان ورود و خروج‌شان از خوابگاه، نوع پوشش و همچنین نوع روابط‌شان با دیگر دانشجویان به‌ویژه دانشجویان با جنسیت مخالف و شرایط ملاقات خانواده دانشجویان خوابگاهی با آن‌ها، نمونه‌ای از اصل شبکه‌بندی می‌باشد.

۳. اصل قاعده‌مندی مکان‌های کارکردی: به این معنا که باید معماری مکان‌ها را برای استفاده‌های گوناگون آماده کرد. مکان‌هایی معین در پاسخ به دو ضرورت تبیین شده‌اند: یکی ضرورت مراقبت و قطع ارتباط‌های خطرناک و دیگری ضرورت ایجاد مکانی مفید [۱۴، ص ۱۸۰]. از نمونه‌های این اصل می‌توان به این موارد اشاره کرد: ساخت مجتمع خوابگاه‌ها در کنار دانشکده‌های دانشگاه، ایجاد اتاق‌های نگهداری به فواصل معینی در محوطه دانشکده‌ها و خوابگاه‌ها، تفکیک خوابگاه‌های دانشجویان کارشناسی و تحصیلات تکمیلی و حتی تفکیک دانشجویان جدیدالورود و دیگر دانشجویان کارشناسی، ساخت اتاق‌های شیشه‌ای در روبه‌روی اتاق نگهداری که می‌تواند رفتار دانشجویان خوابگاهی را به هنگام ملاقات با دوستان و آشنایان‌شان کنترل کند.

۴. اصل ردیف‌مندسازی: در دانشگاه‌ها و خوابگاه‌ها دانشجویان را بر اساس ملاک‌های مختلفی ردیف‌بندی می‌کنند. مثلاً بر اساس سال ورود به دانشگاه، نام خوابگاه، مقطع تحصیلی و رشته تحصیلی. این اقدام امکان تعویض و جایگزینی دانشجویان را فراهم می‌سازد.

سه نوع ابزار تنبیهی در نظر فوکو به قرار زیر است:

بررسی رابطه بین رضایت از زندگی خوابگاهی و از خود بیگانگی دانشجویان دختر خوابگاهی ۹۵

۱. مشاهده مبتنی بر سلسله مراتب: توانایی مسئولین دانشگاه و خوابگاه در اعمال نظارت بر دانشجویان با یک نگاه را گویند. نصب دوربین‌های مخفی در بخش‌هایی از دانشگاه می‌تواند مثالی از این مورد باشد. حتی شایعاً وجود دوربین‌های مخفی نیز می‌تواند این کارکرد را داشته باشد به نحوی که دانشجویان خود مراقب رفتارهای خود خواهند بود.

۲. مجازات بهنجارساز: اعمال داوری‌های هنجاریبخش و مجازات کسانی است که هنجارها را رعایت نمی‌کنند [۵، ص ۵۶۲]. دانشگاه‌ها با اعمال مجازات‌هایی که خود ضروری بدانند اقدام به بهنجارسازی دانشجویان می‌نمایند. در واقع دانشگاه‌ها و خوابگاه‌ها به مثابه نظام‌های خرده کیفرمند، به‌ویژه خوابگاه‌های دختران در مورد زمان (تأخیر در رسیدن به موقع به خوابگاه و غیبت)، فعالیت‌ها (سهل‌انگاری و بی‌توجهی به قوانین)، رفتارها (بی‌ادبی و نافرمانی)، تکلم (گستاخی و پرحرفی، سر و صدای زیاد در اتاق‌ها و در راهروهای خوابگاه)، بدن (بی‌نظافتی و ادا و اطوار) و مسایل جنسی (بی‌حیایی، بی‌نزاکتی و بی‌توجهی به منشور اخلاقی خوابگاه و دانشگاه) دانشجویان مجازات‌های شدیدی اعمال می‌نمایند [۳، ۵، ۶].

۳. امتحانات: شیوه‌ای است برای زیر نظر گرفتن دانشجویان و ارزیابی کاری است که انجام می‌دهند این امر مستلزم به کارگیری دو روش قبلی می‌باشد [۶]. در نظر فوکو امتحان یک بایگانی کامل و ظریف و دقیق را در پی دارد که در سطح بدن‌ها و روزها شکل می‌گیرد. امتحان از یک سو افراد را در حوزه مراقبت قرار می‌دهد و از سوی دیگر آن‌ها را در شبکه‌ای از نوشته‌ها جای می‌دهد [۱۴، ص ۲۳۶]. دفترهای حضور و غیاب دانشجویان خوابگاهی از جمله این موارد می‌باشد.

مسئله از خودبیگانگی در نظر بوردیو<sup>۸</sup> به دو صورت در دانشگاه‌ها می‌تواند رخ دهد. اول اینکه در نظر وی دانشگاه‌ها نهاد عمده‌ای هستند که در آن خشونت نمادین در مورد انسان‌ها اعمال می‌شود [۶]. خشونت نمادین به معنای تحت کنترل درآوردن افراد با شیوه‌های ملایم‌تر مثل ایجاد قوانین متعدد و دستورالعمل‌های رفتاری است. در خوابگاه‌های دانشجویی نیز اعمال کنترل‌های شدید وجود دارد که این مسئله می‌تواند منجر به بی‌قدرت‌سازی و حذف خودآگاهی دانشجویان یا به عبارت دیگر از خودبیگانگی آن‌ها شود. دوم اینکه وی دانشگاه‌ها را به مثابه میدانی تلقی می‌کند که در بین اشغال‌کنندگان جایگاه‌های درون میدان کشمکش‌هایی وجود دارد. افراد از طریق هیبتاس یا ساختمان ذهنی سعی در حفظ و بهبود جایگاه‌های خود، درون میدان را دارند. هیبتاس به طرح‌های تفسیری عمدتاً ناخودآگاهی اشاره دارد که نحوه کار جهان و نحوه ارزیابی امور را

8. Bourdieu

به ما نشان می‌دهد و دستورالعمل‌هایی برای کنش ارائه می‌کند. در نظر وی افراد موقعیت ساختاری یا طبقاتی مشترک، تجربه‌های مشابه و تکرار شونده‌ای دارند که هبیتاس مشترکی را ایجاد می‌کند، که این هبیتاس به نوبه خود به اعمال اجتماعی آنان ساختار می‌دهد [۱۱، ص ۱۹۷]. در واقع وی بین میدان و هبیتاس رابطه دیالکتیکی برقرار می‌کند.

به بیان دیگر می‌توان گفت که در نظر بوردیو خوابگاه‌های دانشجویی می‌تواند به مثابه میدان نبردی تلقی گردد که بین مسئولین خوابگاه و دانشجویان، بین دانشجویان از یک قومیت و شهر با دانشجویانی از اقوام دیگر و حتی بین دانشجویان جدیدالورود و دیگر دانشجویان کشمکش‌هایی به وجود می‌آید و افراد با توجه به این جایگاه‌ها و تجربیات مشترکی که می‌یابند، ساختمان‌های ذهنی متفاوتی را شکل می‌هند و بر اساس این ساختمان‌های ذهنی سعی دارند تا جایگاه خود را در زمینه خوابگاه حفظ کنند. زمانی که دانشجویان نتوانند در این نبرد موفق شوند دچار از خودبیگانگی و احساس انفصال و جدایی می‌شوند. وایزبرگ<sup>۹</sup> و اینگلهارت<sup>۱۰</sup> معتقدند که بیگانگی اجتماعی با نارضایتی اجتماعی افراد در ارتباط است [۲، ص ۷].

به نظر سیمن<sup>۱۱</sup>، ساختار دیوان‌سالاری جامعه مدرن شرایطی را ایجاد و ابقا کرده است که در آن انسان‌ها قادر به فراگیری نحوه و چگونگی کنترل و مدیریت جامعه بر نظام پاداش اجتماعی هستند به گونه‌ای است که فرد ارتباطی را بین رفتار خود و پاداش مأخوذه از جامعه نمی‌تواند برقرار کند و در چنین وضعیتی، احساس بیگانگی بر فرد مستولی می‌شود و او را به کنشی منفصلانه و ناسازگارانه در قبال جامعه سوق می‌دهد [۱۲، صص ۹۱-۷۸۳؛ ۱۸، ص ۱۴۴].

سیمن بر این باور است که از خودبیگانگی دارای پنج بعد است: (۱) بی‌قدرتی، (۲) بی‌معنایی، (۳) بی‌هنجاری، (۴) جدایی از ارزش‌ها، (۵) خودبیزاری [۱، ص ۱۶۷]. در اینجا هر کدام از ابعاد را به اختصار توضیح می‌دهیم.

۱. ناتوانی و بی‌قدرتی: بی‌قدرتی یعنی اینکه انتظار یا احتمال شخص، نمی‌تواند تعیین‌کننده دستاوردها یا نیروهای کمکی باشد که در حاصل رفتار خود جستجو می‌کند [۱۲، ص ۴۰۹]. به بیان دیگر بی‌قدرتی عبارت

9. Weissberg

10. Inglehart

11. Seeman



بررسی رابطه بین رضایت از زندگی خوابگاهی و از خود بیگانگی دانشجویان دختر خوابگاهی ۹۷

است از احتمال و یا انتظار متصوره از سوی فرد در قبال بی‌تأثیری عمل خویش و یا تصور این باور که رفتار او قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار نبوده و وی را به هدفی که بر اساس آن، کنش او تجهیز گردیده رهنمون نیست [۱۷، صص ۶۸-۶۷].

۲. بی‌معنایی و پوچی: فرد در چنین حالتی در باورها و عقاید خود دچار ابهام و تردید شده، نمی‌داند به چه چیزی باید اعتقاد داشته باشد. یعنی زمانی که حداقل معیارهای فردی برای تصمیم‌گیری مشخص فراهم نیست. به عبارت دیگر، انتظار چندانی از رضایت‌بخش بودن پیش‌بینی‌های رفتاری خود در آینده ندارد [۱۲، صص ۴۱؛ ۹، ص ۲۵۱].

۳. احساس بی‌هنجاری: وضعیت بی‌هنجار، وضعیتی است که در آن انتظار زیادی وجود دارد که فرد از اجتماعی برای رسیدن به هدف‌های معین به رفتارهای تأیید نشده دست بزند [۱۲، صص ۴۱۳]. در واقع وضعیتی فکری - ذهنی است که فرد این احتمال را به حد مفرطی بر خود مفروض و متصور می‌دارد که تنها کنش‌هایی فرد را به حوزه‌های هدف نزدیک می‌سازد که مورد تأکید جامعه نیستند [۱۷، صص ۶۸-۶۷].

۴. انزوا یا جدایی از ارزش‌ها: زمانی است که فرد برای هدف‌ها یا باورهایی که در جامعه به‌نوعی معتبر است ارزش پاداش کمی قائل باشد [۱۲، صص ۴۱۴]. در واقع انزوا هنگامی رخ می‌دهد که شخص احساس کند با ارزش‌ها و معیارهای جامعه بیگانه شده است. در چنین حالتی فرد خود را با آنچه از نظر جامعه ارزشمند و دارای اعتبار است، هم‌عقیده و همسو نمی‌بیند [۹، صص ۲۵۲].

۵. از خود - غریبگی: سیمین میزان و درجه هر رفتاری را بر اساس پاداش‌های مورد انتظار آتی می‌بیند و به نظر وی در دنیای صنعتی انسان در بسیاری از حرف و مشاغل در روابط تولیدی خاص واقع می‌شود که در آن کار و تولید فرد را دیگر به مصرف و تعالی مورد انتظار رهنمون نمی‌سازد. کار می‌کند بدون اینکه به ارزش واقعی کار خود واقف باشد و از نتایج کار خود محظوظ و متمتع شود. نتیجه زوال و از دست رفتن مفهوم واقعی کار و آغاز نفی خود و تولید است [۱۷، صص ۶۸-۶۷].

فردینبرگ<sup>۱۲</sup> بر این باور است که رضایت از زندگی با احساس بیگانگی در افراد مرتبط است و مثبت نبودن نتیجه عمل به‌عنوان نارضایتی تلقی می‌شود [فردینبرگ، ۱۹۸۳: ۱۰۱؛ ۳، صص ۴]. به نظر فردینبرگ این چنین احساس نارضایتی در فرد سبب می‌شود که وی به نوعی احساس انفصال و جدایی از موضوعات پیرامونی میل کند و با هر آنچه که قبلاً پیوند داشت خود را جدا و منفک ببیند و از درون، بین خود و این

12. Friedenberg

موضوع نوعی احساس کشمکش، تضاد، ستیز و عدم ارتباط و شناخت تصور می‌کند. فردی که به احساس نارضایتی دچار است خود را ناتوان‌تر از آن می‌بیند که بتواند تغییری در وضعیت خود و شرایط محیطی به وجود آورد. از این رو احساس نارضایتی به احساس بی‌یاوری و ناامیدی منجر می‌گردد. فردینبرگ، در بررسی علل نارضایتی، توجه خود را عمدتاً به علل نارضایتی نسل جوان معطوف می‌کند. به نظر وی محیط آموزشی و تجارب تحصیلی فرد، زندگی خانوادگی و ارتباطات فامیلی و نیز کسانی - نظیر گروه همسالان - که فرد با آن‌ها در تعامل و کنش متقابل مستمر به سر می‌برند از علل عمده در بروز نارضایتی نسل جوان می‌باشند. سرکوب‌شدن فردیت و هتک شخصیت فردی، مشغله فکری به‌ویژه سروکار مفرط با مفاهیم تجربیدی و انتزاعی و نیز غلبه ارزش‌ها و احساسات گروه بر ارزش‌ها و عواطف فرد از جمله عوامل دیگری است که در نظر وی در بروز بیگانگی و احساس نارضایتی تأثیرگذار است [فردینبرگ، ۱۹۸۳: ۶۹-۱۱۶؛ ۱۸، ص ۱۴۸-۱۴۷].

این پژوهش با ترکیب نظریات فوکو، بوردیو و فردینبرگ در صدد آزمون فرضیات زیر است:

۱. فرضیه اصلی: رضایت از زندگی خوابگاهی با از خودبیگانگی رابطه دارد.
۲. فرضیه فرعی ۱: رضایت از زندگی خوابگاهی با احساس عدم تعلق رابطه دارد.
۳. فرضیه فرعی ۲: رضایت از زندگی خوابگاهی با احساس بی‌معنایی و پوچی رابطه دارد.
۴. فرضیه فرعی ۳: رضایت از زندگی خوابگاهی با احساس دوری از ارزش‌ها و جامعه‌ستیزی رابطه دارد.

### روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با روش کمی و تکنیک پیمایشی انجام گرفت و از نوع طرح همبستگی است. جامعه آماری تحقیق، کلیه دانشجویان دختر خوابگاهی دانشگاه اصفهان (۲۲۸۶ نفر) است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۳۰ نفر برآورد گردید، اما به دلیل ناقص پر شدن ۱۰ پرسشنامه، تعداد نمونه معتبر پژوهش حاضر ۳۲۰ نفر می‌باشد. برای انتخاب افراد نمونه، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده استفاده شده است. طبق این نوع از نمونه‌گیری، دانشجویان بر اساس نوع خوابگاه (شهاد، علم‌الهدی، نیک‌نژادی و فهمیده) توزیع می‌شوند و سپس در هر خوابگاه نمونه‌هایی به تصادف انتخاب می‌شود. بدین معنا که شماره اتاق‌ها با روش ارقام تصادفی انتخاب شده و از یکی از ساکنین اتاق درخواست می‌شود که پرسشنامه را تکمیل کند.

بررسی رابطه بین رضایت از زندگی خوابگاهی و از خود بیگانگی دانشجویان دختر خوابگاهی ۹۹

از پرسشنامه محقق ساخته برای اندازه گیری متغیرهای تحقیق استفاده شده است. برای رفع نواقص و ابهامات پرسشنامه مورد استفاده، حدود ۳۰ نفر از دانشجویان در خوابگاه های مختلف به طور تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه را تکمیل کردند. درجه ابهام جملات، نواقص ساختاری جملات، ابهامات و نواقص گزینه های پاسخ و سایر مواردی که توسط پاسخگویان به عنوان مشکلات پرسشنامه ذکر می گردید در این مرحله تشخیص داده شد و اصلاحات ممکن به عمل آمد. اعتبار ابزار پژوهش از طریق اعتبار صوری حاصل گردید. سپس پایایی ابزار اندازه گیری با محاسبه ضرایب آلفای کرونباخ برای متغیرهای از خودبیگانگی و رضایت از زندگی خوابگاهی به ترتیب برابر با ۰/۸۴۹ و ۰/۷۶۸ به دست آمد که هر دو در حد قابل قبولی است (جدول شماره ۱). نحوه سنجش متغیرها به شرح زیر است:

رضایت از زندگی: میزان ارضای امیال (انتظارات و نیازها) فرد به طوری که هرچه نیازها و انتظارات فرد از موقعیت ها و اشخاص بهتر برآورده شود رضایت و خشنودی فرد از آن شخص یا موقعیت بیشتر خواهد بود. در این تحقیق رضایت از زندگی در سه بعد به صورت طیف لیکرت سنجیده شد. بدین معنا که فرد باید میزان رضایت خود را نسبت به موارد زیر از خیلی زیاد تا خیلی کم بیان کند:

۱. رضایت از سطح اول نیازها (امکانات فیزیولوژیکی): شامل امکاناتی مثل کیفیت غذاهای خوابگاه، دسترسی به فروشگاه و امکانات آن، سرویس های بهداشتی و حمام، امکانات اتاق، وضعیت آشپزخانه و سلف سرویس، گنجایش و ظرفیت اتاق ها.

۲. رضایت از امکانات مربوط به سطح دوم نیازها (احترام و تعلق): شامل رضایت از رفتار هم اتاقی ها، رفتار نگهبانان خوابگاه، برخورد مسئولین خوابگاه، نحوه و شرایط ملاقات خانواده با دانشجوی.

۳. بعد رضایت از امکانات مربوط به سطح سوم نیازها (خودشکوفایی): شامل امکانات ورزشی، امکانات کتابخانه، امکانات تفریحی و شرایط و امکانات مطالعه.

از خود بیگانگی: بر اساس تعریف ملوین سیمن ابعاد از خودبیگانگی شامل احساس پوچی و بی معنایی، دوری از ارزش ها و جامعه ستیزی و احساس عدم تعلق است که برای سنجش این ابعاد از گویه های مناسب استفاده شده است و به صورت طیف لیکرت سنجیده شد. این ابعاد با گویه های زیر سنجیده شد که پاسخگو باید موافقت و مخالفت خود را با این گویه ها بیان می کرد.

۱. بعد احساس پوچی و بی معنایی: برای من جهان پیچیده تر از آن است که بتوانم آن را بشناسم، گاه احساس می کنم زندگی کردن بی معناست، احساس می کنم زندگی بسیار مفید و پر بار است، به نظر می رسد

انسانیت روز به روز ضعیف‌تر می‌شود، گاه احساس می‌کنم هدف خاصی را در زندگیم دنبال نمی‌کنم، وقتی آدم در رسیدن به خواسته‌هایش ناکام بماند زندگی ارزش ماندن ندارد.

۲. بعد دوری از ارزش‌ها و جامعه‌ستیزی: گاهی اوقات می‌خواهم همه چیز را تار و مار کنم، جامعه برای من کاری نکرده است تا مدیون آن باشم، زندگی کردن در ایران برایم بسیار خوشایند است، امروزه اعتماد چندان به حکومت ندارم، من علاقه‌مند به مطابقت با جامعه خود هستم، تقصیر جامعه است که آدم نتواند آینده روشنی برای خودش تصور کند.

۳. بعد احساس عدم تعلق: احساس می‌کنم به هیچ چیز تعلق ندارم، احساس می‌کنم دلخوشی چندان در زندگی ندارم، احساس می‌کنم دوستان فراموشم کرده‌اند، طی هفته گذشته احساس تنهایی و دوری شدیدی داشتم، اغلب احساس می‌کنم هیچ‌کس به من احتیاجی ندارد.

#### جدول شماره ۱. ضریب پایایی متغیرهای تحقیق

متغیر	ضریب پایایی	تعداد گویه
از خودبیگانگی (متغیر وابسته)	۰/۸۴۹	۱۷
رضایت از زندگی (متغیر مستقل)	۰/۷۶۸	۱۴

#### یافته‌های تحقیق

در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها در ابتدا به توصیف جامعه آماری بر حسب متغیر وابسته خواهیم پرداخت و سپس نتایج آزمون فرضیات تحقیق را بیان خواهیم کرد.

#### الف) آمار توصیفی

جدول شماره ۲ به بیان توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان از خودبیگانگی می‌پردازد. بیشترین درصد (۶۱/۱ درصد) از کل پاسخگویان مربوط به دانشجویانی است که از لحاظ از خودبیگانگی در گروه متوسط جای دارند و کمترین درصد (۱۶/۹ درصد) پاسخگویان در گروه زیاد قرار می‌گیرند میزان از خودبیگانگی ۲۱/۹ درصد از کل پاسخگویان در حد اندکی است.

#### جدول شماره ۲. توزیع پاسخگویان بر حسب میزان از خودبیگانگی

میزان از خودبیگانگی	فراوانی	درصد
کم	۳۶	۱۱/۳

بررسی رابطه بین رضایت از زندگی خوابگاهی و از خود بیگانگی دانشجویان دختر خوابگاهی ۱۰۱

۶۲/۷	۲۰۰	متوسط
۲۶	۸۳	زیاد
۱۰۰	۳۱۹	کل

جدول شماره ۳ به بیان توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان احساس عدم تعلق می‌پردازد. ۴۶/۱ درصد از کل پاسخگویان دارای احساس عدم تعلق زیاد می‌باشند در حالی که تنها ۱۶ درصد از آن‌ها احساس عدم تعلق کم دارند و ۳۷/۹ درصد از آن‌ها دارای احساس عدم تعلق متوسطی می‌باشند.

جدول شماره ۳. توزیع پاسخگویان بر حسب میزان احساس عدم تعلق

درصد	فراوانی	میزان احساس عدم تعلق
۱۶	۵۱	کم
۳۷/۹	۱۲۱	متوسط
۴۶/۱	۱۴۷	زیاد
۱۰۰	۳۱۹	کل

جدول شماره ۴ حاکی از این است که ۲۳/۸ درصد از افراد نمونه آماری دارای احساس پوچی و بی‌معنای اندکی می‌باشند. ۵۳/۶ درصد افراد به میزان متوسطی احساس پوچی و بی‌معنایی دارند و ۲۲/۶ درصد افراد میزان بالایی از احساس پوچی و بی‌معنایی را تجربه می‌کنند.

جدول شماره ۴. توزیع پاسخگویان بر حسب میزان احساس پوچی و بی‌معنایی

درصد	فراوانی	میزان پوچی و بی‌معنایی
۲۳/۸	۷۶	کم
۵۳/۶	۱۷۱	متوسط
۲۲/۶	۷۲	زیاد
۱۰۰	۳۱۹	کل

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول شماره ۵، می‌توان گفت که بیشترین درصد (۶۸ درصد) از کل پاسخگویان مربوط به دانشجویانی است که از لحاظ احساس دوری از ارزش‌ها و جامعه‌سنجی در گروه متوسط جای دارند و کمترین درصد (۳/۱ درصد) پاسخگویان در گروه زیاد قرار می‌گیرند. میزان احساس دوری از ارزش‌ها و جامعه‌سنجی ۲۸/۸ درصد از کل پاسخگویان در حد اندکی است.

**جدول شماره ۵. توزیع پاسخگویان بر حسب میزان دوری از ارزش‌ها و جامعه‌سنجی**

درصد	فراوانی	میزان احساس دوری از ارزش‌ها و جامعه‌سنجی
۲۸/۸	۹۲	کم
۶۸	۲۱۷	متوسط
۳/۱	۱۰	زیاد
۱۰۰	۳۱۹	کل

**(ب) آزمون فرضیات**

آزمون فرضیه اصلی: با توجه به مقدار همبستگی ( $-۰/۲۶۵$ ) و همچنین مقدار سطح آماری ( $۰/۰۰۰$ ) به دست آمده می‌توان گفت که بین رضایت از زندگی خوابگاهی و از خودبینی‌نگاری رابطه منفی وجود دارد بدین معنا که با افزایش میزان رضایت از زندگی خوابگاهی، میزان از خودبینی‌نگاری دانشجویان کاهش می‌یابد و بالعکس. بنابراین با توجه به این نتایج می‌توان گفت که فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌شود (جدول شماره ۶).

آزمون فرضیه فرعی ۱: مقدار همبستگی ( $-۰/۱۸۰$ ) و سطح معنی‌داری ( $۰/۰۰۱$ ) به دست آمده از جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که بین رضایت از زندگی خوابگاهی و احساس عدم تعلق رابطه منفی نسبتاً ضعیفی وجود دارد. بدین معنا که هرچه میزان رضایت از زندگی خوابگاهی بیشتر باشد احساس عدم تعلق دانشجویان کمتر می‌شود و بالعکس. این نتایج حاکی از تأیید فرضیه مذکور است.

آزمون فرضیه فرعی ۲: مقادیر همبستگی ( $-۰/۱۲۸$ ) و سطح معناداری ( $۰/۰۲۲$ ) به دست آمده از جدول شماره ۶ حاکی از وجود رابطه منفی بین رضایت از زندگی خوابگاهی و احساس پوچی و بی‌معنایی می‌باشد. در واقع می‌توان گفت که هرچه افراد رضایت از زندگی خوابگاهی بیشتری داشته باشند احساس پوچی و بی‌معنایی

بررسی رابطه بین رضایت از زندگی خوابگاهی و از خود بیگانگی دانشجویان دختر خوابگاهی ۱۰۳

کمتری را تجربه می‌کنند و بالعکس. این نتایج فرضیه فرعی ۲ را مبنی بر اینکه بین رضایت از زندگی خوابگاهی و احساس پوچی و بی‌معنایی رابطه وجود دارد، تأیید می‌نماید.

آزمون فرضیه فرعی ۳: با توجه به نتایج به‌دست آمده از جدول شماره ۶ (مقدار همبستگی پیرسون:  $-0/215$  و مقدار سطح معناداری:  $0/000$ ) می‌توان گفت که فرضیه فرعی ۳ مبنی بر وجود رابطه بین رضایت از زندگی خوابگاهی و احساس دوری از ارزش‌ها و جامعه‌ستیزی با اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود. بدین معنا که افزایش در میزان رضایت از زندگی خوابگاهی منجر به کاهش احساس دوری از ارزش‌ها و جامعه‌ستیزی در دانشجویان می‌گردد و بالعکس.

#### جدول شماره ۶. همبستگی پیرسون بین رضایت از زندگی خوابگاهی و از خود بیگانگی و ابعاد

آن

رضایت از زندگی خوابگاهی		متغیر وابسته
سطح معنی‌داری	همبستگی پیرسون	
$0/000$	$-0/265$	از خود بیگانگی
$0/001$	$-0/180$	بعد احساس عدم تعلق
$0/022$	$-0/128$	بعد پوچی و بی‌معنایی
$0/000$	$-0/215$	بعد دوری از ارزش‌ها و جامعه‌ستیزی

#### نتیجه

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هر چه میزان رضایت از زندگی بیشتر شود میزان از خود بیگانگی دانشجویان کمتر می‌شود. همچنین رضایت از زندگی با تمام ابعاد از خود بیگانگی (احساس عدم تعلق، احساس پوچی و بی‌معنایی و احساس دوری از ارزش‌ها و جامعه‌ستیزی) رابطه منفی معناداری دارد. این یافته‌های تحقیق با یافته‌های رجبی (۱۳۸۰)، محسنی تبریزی (۱۳۸۱)، ستوده (۱۳۸۷)، بنی‌فاطمه و رسولی (۱۳۹۰)، بائو و همکاران (۲۰۰۶)، اوسین (۲۰۰۹)، تانوجیا (۲۰۱۰) و وحیدی و نظری (۲۰۱۱) همسو می‌باشد.

ولی با یافته‌های بالاچاندران و همکاران (۲۰۰۷) ناهمسو است. این یافته‌ها همچنین نظریات فردینبرگ، وایزبرگ و اینگلهارت، فوکو و بوردیو را تأیید می‌کند.

از بین ابعاد مختلف از خودبیگانگی، دانشجویان بیشتر احساس عدم تعلق را تجربه کرده‌اند و بعد از آن احساس پوچی و بی‌معنایی را گزارش نموده‌اند و احساس دوری از ارزش‌ها و جامعه‌ستیزی در بین دانشجویان در حد متوسطی قرار داشت. بر اساس نظریه بوردیو و فوکو می‌توان گفت که اعمال قوانین کنترلی شدید در خوابگاه دختران در تمام امور فردی و شخصی دانشجویان مثل روابط بین فردی، نحوه پوشش و... باعث می‌گردد که دانشجو از زندگی در خوابگاه احساس ناراضی داشته باشد و هیچ‌گونه احساس تعلق به خوابگاه نداشته باشد و خود را در نبرد با مسئولین خوابگاه و هم‌خوابگاهی‌های خود بیابد احساس پوچی و بی‌معنایی زمانی ظاهر می‌شود که دانشجو خود را در این نبرد، ناموفق می‌بیند. با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان پیشنهادات را در دو سطح پیشنهادات اجرایی و پژوهشی مطرح کرد. پیشنهادات اجرایی تحقیق معطوف به بهبود امکانات خوابگاه در سه سطح می‌باشد، که به شرح زیر است:

۱. بهبود و افزایش امکانات در سطح اول نیازها (تأسیس فروشگاه در همه خوابگاه‌ها، امکان دسترسی به سلف سرویس مجزا برای همه خوابگاه‌ها)
۲. بهبود و افزایش امکانات در سطح دوم نیازها (تسهیل در شرایط ملاقات خانواده دانشجو با آن‌ها، برخورد صحیح و شرافتمندانه نگهبانان و مسئولین خوابگاه با دانشجویان، آموزش مهارت‌های مربوط به زندگی خوابگاهی به دانشجویان و تسهیل در قوانین مربوط به انتخاب اتاق و هم‌اتاقی)
۳. بهبود و افزایش امکانات در سطح سوم نیازها (سالن مطالعه، مرکز رایانه، امکانات ورزشی و تفریحی) الف) تأسیس کتابخانه مرکزی برای مجتمع خوابگاه‌ها و افزایش کتب و مجلات در کتابخانه‌های موجود.

ب) برگزاری مسابقات ورزشی و جشنواره‌های علمی و فرهنگی در بین خوابگاه‌های مختلف. بررسی از خودبیگانگی با روش کیفی و بررسی مقایسه‌ای موضوع از خودبیگانگی در میان دانشجویان پسر و دختر خوابگاهی و همچنین در بین دانشجویان خوابگاهی و غیر خوابگاهی، از جمله پیشنهادات پژوهشی تحقیق می‌باشد.



بررسی رابطه بین رضایت از زندگی خوابگاهی و از خود بیگانگی دانشجویان دختر خوابگاهی ۱۰۵

## منابع

- [۱]. آقا حسینی، حسین؛ ربانی خوراسگانی، رسول (۱۳۸۴). "تحلیلی از مفهوم «از خود بیگانگی» در شعر ناصر خسرو"، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، شماره ۴۲، ۱۷۴-۱۶۳.
- [۲]. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، (مریم وتر)، چاپ اول، تهران: انتشارات کویر.
- [۳]. بنی فاطمه، حسین؛ رسولی، زهره (۱۳۹۱). "بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن"، *جامعه شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)*، ۲۲ (۱ پیاپی ۴۱)، ۲۶-۱.
- [۴]. رجبی، علیرضا (۱۳۸۰). *عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر از خود بیگانگی جوانان و نوجوانان، پایان نامه کارشناسی، رشته علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال*.
- [۵]. ریترز، جورج (۱۳۸۳). *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*، (محسن ثلاثی)، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی.
- [۶]. ----- (۱۳۸۹). *مبانی نظریه جامعه شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*، (شهناز مسمی پرست)، چاپ اول، تهران: نشر ثالث.
- [۷]. زکی، محمدعلی (۱۳۸۸). "بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان)"، *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، شماره سوم، ۵۱-۲۵.
- [۸]. زکی خانی، محمدصادق (۱۳۸۹). "بیگانگی دانشجویان علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج"، *علوم سیاسی*، شماره ۱۰، ۹۱-۱۰۵.
- [۹]. ستوده، هدایت الله (۱۳۸۳). *روان شناسی اجتماعی*، تهران: آوای نور.
- [۱۰]. ----- (۱۳۸۷). "ناکامی آموزشی و از خودبیگانگی: پژوهشی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن"، *فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، سال سوم، شماره دوم، ۹۳-۱۱۵.
- [۱۱]. سیدمن، استیون (۱۳۹۰). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، (هادی جلیلی)، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- [۱۲]. سیمن، ملوین (۱۳۷۸). "مفهوم از خودبیگانگی"، در کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد، *نظریه‌های بنیادی جامعه شناختی*، (فرهنگ ارشاد)، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- [۱۳]. علاقه‌بند، علی (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، چاپ سی و چهارم، تهران: نشر روان.
- [۱۴]. فوکو، میشل (۱۳۸۷). *مراقبت و تنبیه تولد زندان*، (نیکو سرخوش و افشین جهانزاده)، چاپ هفتم، تهران: انتشارات نی.
- [۱۵]. کلدی، علیرضا؛ صفی‌پور، جلال (۱۳۸۱). "تحلیل جامعه‌شناختی از خودبیگانگی در میان دانشجویان"، *پژوهشنامه ادبیات و علوم انسانی*، شماره ۳۵، ۱۸۰-۱۴۹.
- [۱۶]. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی، (منوچهر صبوری)*، چاپ نهم، تهران: نشر نی.
- [۱۷]. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰). "بیگانگی"، *نامه علوم اجتماعی*، دوره جدید، شماره دوم، ۷۲-۲۵.
- [۱۸]. ----- (۱۳۸۱). "آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی- فرهنگی بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران"، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۲۶، ۱۸۲-۱۱۹.

- [۱۹].Balachandran, M.Raakhee. A.S. and Sam Sananda Raj. H. (2007) "Life Satisfaction and Alienation of Elderly Males and Females", *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, Vol. 33, No.2, 157-160.
- [۲۰].Bao, Yeqing, Kevin Z. Zhou, and Joe N. Zhou (2006), "Social Alienation in a Transitional Economy: Antecedents and Impact on Attitude toward Social Reform," *Journal of Business Research*, 59 (9), 990-998.
- [۲۱].Osin, Evgeny (2009) "Subjective Experience of Alienation: Measurement and Correlatesmore", *Existenzanalyse*, 29, Vol 1 ,4-11.
- [۲۲].Tanuja, Mohapatra(2010). "Life satisfaction and alienation of elderly males and females: an empirical study in Odisha", *Asian Journal of Development Matters*, Vol4, Issue 3.
- [۲۳].Vahedi, Shahrum&Nazari, Mohammad Ali (2011). "The Relationship between SelfAlienation, Spiritual Well-Being, EconomicSituation and Satisfaction of life: A Structural Equation Modeling Approach", *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences (IJPBS)*, Vol 5, No 1,64-73.

